

# بخیر باختر

قیمت اشتراك سالیانه ۳۰ دلار است بتوسط محفل مقدس روحانی طهران یا یکسر با اداره ارسال دارند

این جریده در هر ماه بهائی یکبار منتشر میشود و در مسائل متعلقه باین امر اعظم که مرقاة ترفیحات مادی و معنوی نوع بشر و کفایه و سبیل انتظام و الهیجان عالم است سخن میراند و مقالات نمیده که موافق این مقصد است بخواهد

شماره هفتم ۱۳ ماه جولای سال ۱۹۲۱ موافق اول ماه کلمت ۷۸ شماره بهائی

## آرزوی ما و خدایت عالم انبیا است و مقصد ما صلح عمومی

نطق مبارک حضرت عبدالجبار در انجمن نیاسوهها  
در شهر نیویورک ۳۰ ماه می سنه ۱۹۱۲

از احسانات جناب رئیس نهایت خوشنودی را دارم و همچنین از احسان و کلمه ایشان نهایت سرور دارم بجهت آنکه مقاصد ما یکی است و آرزوی ما یکی است آرزوی ما وحدت عالم انسانی است و مقصد ما صلح عمومی پس در مقصد و آرزو متحدیم و در عالم وجود مسأله از این دو مسئله مهم تر نمیشود زیرا وحدت عالم انسانی سبب عزت نوع بشر است و صلح عمومی سبب آسایش جمیع من علی الارض لهذا در این دو مقصد متحدیم و اعظم از این مقاصد نه لهذا اسدوارم که بین بهائیان و نبیا سوفیا نهایت الفت و محبت شود بجهت آنکه مقاصد هر دو یکی است و آرزوی هر دو یکی است در احسانا روحانیه مشترکند و در توحید مملکت الهی متفقند . ایودیک قوه عظیمه

لازم تا این مقاصد جلیله بجزی گردد شماها میدانید که امروزه اکثر میلی امر عظیمی است و جمیع قوا اتفاق اسودند استقرار این امر این ملاحظاتی گمان میکنند که حرب سبب سرود است و جان نمان میکنند که تفرقه سبب عزت است بگمان آنکه اگر ملتی بر ملتی هجوم آورد و فتح و فتوح نماید و مملکت و دولت مغلوب کند این سبب ترقی آن ملت و دولت است و حال آنکه این خطا محض است ملل را میتوان قیاس بر افراد عالم کنیم عاقله مشکل از افراد است و هر ملتی نیز مشکل از افراد و اشخاص و اگر جمیع ملل جمع کنید یک عاقله عظیمه گردد و این واضح است که نزاع و جدال بین افراد یک عاقله سبب خرابی است چنین نوع جنگ و حرب مابین ملل مورد انهدام عظیم است خلاصه کلام جمیع کتب الهی و جمیع انبیا الهی و جمیع عقلا بشر جمیعا متحد و متفق بر آنند که جنگ و خرابی است و صلح سبب آبادی کل متفقند که جنگ بین انسان براندازد ولی بک فوئی عظیمه لازم که این صلح اجرا نماید و این حرب را منع کند و وحدت عالم انسانی اعلان کند زیرا بجز علم بشری کفایت نمیکند انشا اگر بدانند غنا خوب است غنی نمیشود انشا اگر بدانند که علم ممدوح است عالم نمیشود انشا اگر بدانند عزت مقبول است عزیز نمیشود و علی هذا

۲  
 القياس دانستن سبب حصول نیت از دانستن  
 خوب صحت انسان صحت نیاید بلکه معالجه لازم  
 دارد استعمال ادویه لازم دارد حکم جان و کلام  
 دارد که مطلع بر جمیع اسرار امراض باشد و مطلع  
 بر جمیع معالجات باشد و به حکمت نام و دستور  
 العمل بعد تا صحت کامل حاصل گردد بخرد  
 بدانیم که صحت خوب است صحت حاصل نمیشود قوت  
 و عمل لازم است . دیگر آنکه حصول هر شی  
 مشروط به سه چیز است . اول دانستن  
 دوم اراده سوم عمل در تحقیق هر مسئله  
 جمع این سه چیز لازم مثلاً اول تصور خانه است  
 بعد اراده ساختن بعد عمل و عمل موقوف  
 بقوه ثروت آنوقت امید حاصل گردد لهذا ما  
 محتاج قوه عظیمه هستیم که سبب اجرای امیدها  
 شود و این واقع است که بقوه عظیمه این مقصد  
 حاصل نمیشود اگر بگوئیم بقوه جنت حاصل میشود  
 اجناس مختلفند اگر بگوئیم بقوه وطنت میشود اوطان  
 مختلف است و اگر بگوئیم اتحاد وحدت الهی است و صلح  
 عمومی بقوه سیاسی میشود یا فساد ملوک مختلف است  
 زیرا منافع دول و ملل مختلف است و اگر بگوئیم  
 بقوه تقالید دینی این وحدت عالم انشا نا سیر  
 گردد این تقالید مختلف است پس واضح شد که جمیع  
 اینها مختلف و محدود است و ممکن نیست جز بقوه  
 معنویه و قوه روحانیه و فتوحات الهیه و نشات  
 روح القدس که در این قرن عظیم جلوه نموده جز باین  
 ممکن نیست و الا این مقصد در جزیره قوه میماند بخیر فعل  
 نخواهد آمد . ملاحظه کنید در تاریخ چه چیز  
 سبب اتحاد امم شد چه چیز سبب تعدیل اخلاق  
 عمومی شد چه چیز سبب ترقی جمیع بشر شد اگر  
 بتدقیق و تحقیق در جمیع تواریخ ملاحظه کنیم  
 ببینیم که اساس اتحاد و اتفاق همیشه اساس  
 ادیان الهی بوده اعظم سبب جهت وحدت

۳  
 بشر بوده است یعنی اساس ادیان الهیه نه تقالید که  
 الآن در دست ناسبت زیرا این تقالیدی که الآن در دست  
 است بکلی بیان یکدیگر است لهذا سبب نزاع است  
 سبب جدایی است سبب بغض است سبب عداوت است  
 ولی مقصد ما اساس ادیان الهیه است حال بسیم اساس  
 ادیان الهیه چه چیز است اول اساس وحدت اتحاد است  
 دوم وحدت اجناس است سوم وحدت اوطان است  
 چهارم وحدت سیاست است یعنی امتیازات شخصی  
 امتیاز جنسی امتیاز وطنی امتیاز سیاسی مانند مثلاً  
 ملاحظه فرمایید که حضرت مسیح ظاهر شد امم  
 مختلفه را جمع کرد ملل متحاربه را صلح داد ترویج وحدت  
 عالم انسانی کرد ملت روم را که ملت قاهره بود  
 ملت یونان که ملت فلسفه بود ملت مصر که ملت  
 تمدن بود و سایر ملل مثل سریان و آشوریان  
 و کلدانیان و غیره را جمع نمود اینها در نهایت  
 اختلاف و جدال و نزاع بودند حضرت مسیح این اقوام  
 مختلفه را جمع کرد و تباین و نزاع و جدال را از میان  
 برداشت این کار را بقوه جنبیه نکرد بقوه وطنیه نکرد  
 بقوه سیاسی نکرد بلکه بقوه الهیه کرد بقوه روح القدس  
 بجوی داشت لهذا جز باین وسائط امکان ندارد و الا  
 همین مخالف و تنازع الالاید باقی خواهد ماند ولی  
 بخاطر خطر نماید که چون تحقق این امر عظیمه  
 منوط بقوه الهیه و مشروط بتفکات روح القدس و  
 فیوضات ربانیه است این را از کجا میاوریم فی الحقیقه  
 این سؤال بخاطر میاید لهذا ما همیشه میگوئیم که  
 این خدا خدا و قدیم است خدای تازه نیست سلطنت خدا  
 سلطنت قدیم است سلطنت جدید نیست این سلطنت  
 شش هزار ساله نیست این کون نامتناهی را نگاه  
 کنید این دستگاه باین عظمت و این سلطنت با این  
 شوکت کار چند مرفوع نیست اسما و صفات الهیه  
 قدیم است و نفس اسما و صفات الهیه مستعد خواهد بود  
 کائنات است مستعدی خلقت است مستعدی جمیع

حقیقت کونیه است خدا را خالق گوئیم و سایر خوب  
 خالقت بوجود مخلوق منوط اگر مخلوق نباشد خالقت خدا  
 چگونه تحقق یابد میگوئیم رازق است اگر رزق ندهد چگونه  
 رازق است میگوئیم رب است اگر ربور نباشد چگونه رب است  
 پس خدا خالق از قدیم است رازق از قدیم است رب از قدیم است  
 و از قدیم خالق داشته از قدیم مرزوق داشته و از قدیم ربور  
 داشته پس هیچ شبهه نماند که سلطنت الهی قدیم است سلطنت  
 رقیب نخواهد لشکر خواهد خزان و دفائن خواهد وزیر و وکلاء  
 خواهد میشود پادشاهی تصور نمود بدون مملکت بدون رعیت  
 بدون لشکر بدون وزراء آنان میگویند وقتی بوده که خدا نم  
 خلقی داشته نه لشکری داشته نه رعیتی داشته فی الحقیقت  
 خدا را عزل میکنند یعنی تازه منصوب شده تازه با سر سلطنت  
 تأسیس نموده طفل شیرخوار چنین چیز نمیگوید لهذا خداوند  
 باروی تعالی همیشه خالق بوده رازق بوده مجرب بوده سمیع و بصیر  
 بوده همین که ذات الهی قدیم است فیض الهی نیز قدیم است  
 و فیوضات او من علی الاضطرار احاطه نموده خداوند چون من  
 حیث الذات نام محدود است مزجیت الاسماء و الصفات  
 نیز غیر محدود حقیقت اولو هیئت چون نام محدود است فیض  
 او نیز نامحدود الوهیت از قدیم است نهایتی ندارد کالات او  
 قدیم است نهایتی ندارد ربوبیت او قدیم است نهایتی ندارد پس  
 همان قسم که نقاش روح القدس در پیش بر عالم وجود فیض  
 بخشید همین قسم فیض روح القدس او مستمر است نهایتی ندارد  
 نمیتوانیم بگوئیم که فیض او با خورسیده است اگر بگوئیم فیض او  
 منتهی میشود الوهیت او منتهی میشود فیض آفتاب و حرارت  
 آفتاب ابدی است و سردی است و اگر روزی بیاید که فیض  
 و حرارت آفتاب منقطع گردد آفتاب بد ظلمت ماند زیرا شمس  
 بدون حرارت و ضیاء شمس نیست تاریکی است پس اگر نخواهیم  
 فیوضات الهی را محدود کنیم خود خدا را محدود کرده ایم باری  
 مطمئن فیض و عنایت حق باشد مستبشر به بشارت الهی  
 باشد آن خدا بیکه بر اسم بالفه بفضل و رحمتش معامله  
 کرد آن خدا بیکه در ازمنه قیوم روح الهی بخشید آن خدا بیکه  
 فیض ابدی عطا فرمود همان خدا در هر زمان در هر وقت

مقدر بر آن است که عالم انسانی را مهبط انزال ملکوت  
 نماید لهذا امیدوار باشید آن خدا بیکه از پیش  
 داد حالاً هم میتواند بدهد و در هر یک از این صورت  
 و مثال خویش ظاهر نماید آن خدا بیکه نفخه روح القدس  
 دمید حال هم قادر است که بدمد و خواهد دمید  
 فضل او و انقطاعی ندارد این روح همیشه ساری است این  
 فیض الهی است و فیض الهی جائز نیست که منقطع شود ملامت  
 کنید که آیا هیچ ذرات جزئی را نتوان محدود کرد زیرا  
 هیچ نوعی از انواع کائنات فی الحقیقه محدودیت جائز نه آیا  
 میتوان دیگر بیکه این طبقه منتهی شد و طبقه دیگر نیست  
 دریا منتهی این دریا شد بعد دریا فی نیست یا دریا منتهی این  
 باران شد بعد از این باران نیست اشراق شمس منتهی شد  
 و بعد از این اشراق شمس نیست ممکن است این استغفر الله  
 وقتیکه ببینیم در کائنات جایزه فیض الهی مستمر است چگونه  
 توان گفت که آن فیض باقی آن قوه روح القدس از فیوضات ابدی  
 منقطع شد این واضح است که خالق فیوضات الهیه عظیم از  
 جاد است بعد از آنکه جبرئیل است استمرار التبه روح حقیقت  
 نیز مستمر زیرا ممکن نیست که جبرئیل مستمر باشد و حقیقت  
 روح مستمر باشد من خدا لشکر میکنم که در بیان همین  
 جمع محترمی خود را ببینیم که احسان روحانیه دارند محترمی  
 حقیقت مینمایند نهایت آرزوی شان صلح عمومی است مقصدشان  
 خدمت به عالم انسانی است  
 اعیان آن چند نظر در کائنات بکنیم ملاحظه میشود که  
 هر شیئی از اشیا در جمیع مراتب تصیر دارد مثلاً ماده اثریه  
 در جمیع کائنات سیران دارد در هر جا تموجی حاصل شود  
 نظر از تموج آن متاثر میشود روشنائی مینماید همین طور فیوضات  
 الهیه در جمیع کائنات سیران دارد و اولی نداشته و آخری  
 مخصوص دلست در هر مقامی استعدادی حاصل شود آن فیض  
 نامتناهی جلوه نماید پس امیدوار باشیم که بعون و عنایت الهی  
 میتوانیم این روح حیات را در جمیع کائنات جاری کنیم جمیع بشر را  
 با این فیض زنده کنیم تا عالم انشا عالم الهی گردد عالم ناسوت  
 مرآت عالم کاهوت شود و فضائل و خصال عالم انشا

مرآت عالم لاهوت شود و فضائل و خصال عالم انسانی جلوه نماید و صورت و مثال الهی در این هیکل پرده بر افکند و من نهایت تشکر و رضایت ما از حضرت رئیس دارم و شما از قبلین احترامات فائده ابلاغ نماید امیدوارم که کل فضائل الهی مرفق شوید و همین طور از احسانت شما از احسانت نفیج حاضر بی نهایت مسروریم و از خدا همیشه از برای کل تأیید و توفیق میطلبیم

**دعوت میسر لیلیان پیر و دکتر محمد خا**

سواد کتوب و دکتر اسطوخان از طهران تاریخ ۱۹۲۰  
 چهار ساعت بعد از نصف شب اول ماه زمهریر چنانکه مودی در منزل با کمال وحشت و اضطراب زد و واقعه مؤلمه میسر کس که مجرب عموم اجاب بود ذکر نمود که براسطه کسالت سه چهار روزه دارفانی وداع کرد مرضش جای تفسیر بود و کمالاً او دکتر مودی و دکتر کلان بودند بنده که اینظار چنین واقعه نداشتم و اختیار شدم اگر بدانید که چه داغ فراق بدایم در خود گذاشت بنده فوراً بمنزل دکتر کلان رفته حادثه را برای معین دیده البته معلوم است که این نمونه لعاقل و کالات انشا چه دست بردهای آشنایان و بانندگان خود نهاد پس از سرگوری بوسال گفتن و دفن پرداخته هیچ وقتیکه این خبر مؤلم را شنیدند تقریباً سه نفر از زن و مرد برای احترام تشیع جنازه آن مرحوم حاضر شدند تمام شاگردان مدرسه تربیت بالبا سرباه و دستها گل و در دست جلوس کالسکه بی که قبلاً برای آنجوسه تهیه شده بران گل و عطریات بود با کمال تجلیل حرکت داده باین ترتیب که شاگردان مدرسه جلوس و طرف صاف بسته در شکه دکتر مودی و دکتر کلان و خانم آلمانی تهیه شده بود جلوس کالسکه تمام اجاب پیاده تا دروازه یوسف آباد از خیابان علامه الدوله حرکت داده برف شدت میبارید تمام ما عقب کالسکه و زنها لطف دست راست عبور میکردند خداوند شاهد است در موقع حرکت بقدری حزن انگیز بود که چشم هر یاری را محزون میساخت تا بحال و بر این دیده نشه بود که زنها با مردها تشیع جنازه کنند آنهم زنی امریکائی را همچو چنین احترام دادند

بکفر خاگر تصور میکرد تا نزدیک دروازه انوار خان بکاسر عکسی برداشت شاگردان مدرسه خطاب به قرابت نموند تقریباً صد در شکه های که قبلاً با اتومبیل تهیه شده بود عقبه شیعین از بیرون دروازه سوار شده اجاب با ورقایه رفتند در آنجا با کمال احترام نغش آن مرحومه را روی دست گرفته در اطراف مخصوص گذارده و مطابق قراین بهائی نماز و دعا خوانده مردانه علیحده و زنها علیحده نماز خوانده و در ضمن مناجات ادوات شده یکدیگر را درباره آن مرحومه تسلیت گفتند دو روز بعد از این واقعه دکتر محمدخان این نصیب را شنیده مختصر کسالتی هم داشته اند خیلی محزون شدند گریه زیادی کردند بنده که عیادت رفته بودی فرمودند جناب اسطوخان سزاوار است که میسر کس که اینقدر سبب ترویج معارف در ایران بود و مجرب القلوب عموم اجاب از دست ما برود و ما بنده باشیم آه آه سزاوار نیست جناب دکتر ماهم رستم ای عزیزان ماهم رستم ای اسطوخاوش دارم همه روزه تشریف بیاورید تا شمار از زیارت کنم من خیلی شمار دوست دارم این یک روز که زنده هستم باید خوب شمارا ببینم . باری روزیکه میخواستند مرحوم شوند فرمودند که تا نزدیک ظهر میهمان شما هستم بعد توپ ظهر که زد و فانی وارد شد دکتر محمدخان وداع آخری گفتند وداع بردردستان خود نهاد با کمال احترام تشیع جنازه شد دکتر اسطوخاوش

**إِنَّ اللَّهَ بِمَا نَعْمَلُ لَشَدِيدُ الْحَسِبِ**

تخمین اختر اولاً از مرحمت جناب و کمال لطف الله حکیم نهایت تشکر را دارد که سواد کاغذ برادر محترم ایشان را باین اداره فرستادند . ثانیاً به عموم دوستان و شاگردان مدرسه مبارکه تربیت از بجهت از صمیم فواد سر سلامتی میگوید و از جهت دیگر بشارت میدهد که حسب امر مبارک حضرت عبدالبهار میسر جنویو کوی عن قریب به طهران عازم خواهد شد . بیس کوی چند ماه پیش زیارت عتبه مقدسه نمود و در علوم مادی و روحانی و حسن خلق و اخلاق مشهور و معروف . و کتر الاحیاء ضیاء